

فهرست مطالب

۱. افسون ایونی ۹
۲. شاخه‌های پربار معرفت ۱۵
۳. روشنگری ۲۳
۴. علوم طبیعی ۶۷
۵. ریسمان آریادنه ۹۷
۶. ذهن ۱۴۱
۷. از ژن تا فرهنگ ۱۸۱
۸. شایستگی سرشت انسان ۲۳۹
۹. علوم اجتماعی ۲۶۳
۱۰. هنر و تفسیر آن ۳۰۵
۱۱. اخلاق و دین ۳۴۵
۱۲. به‌سوی کدام هدف؟ ۳۸۷

افسون ایونی

خیلی خوب به یاد دارم که چه وقت به رؤیای معرفت یک پارچه دل بستم. اوایل پاییز ۱۹۴۷ در ۱۸ سالگی از موبیل راهی تاسکالوسا شدم تا سال دوم دوره کارشناسی ام را در دانشگاه آلاباما آغاز کنم. در آن زمان من نوآموز رشته زیست‌شناسی بودم، سرشار از شور و شوق جوانی؛ ولی کم‌مایه در بیش و دانش نظری. در تنهایی، هنگام گشت و گذار در بیشه‌زارها و در راستای رودبارهای ایالت زادگاهم، از روی نقشه‌های راهنمایی که در کوله پشتی‌ام داشتم، چیزهایی آموخته بودم. از نظر من علم انگیزه‌ای بی‌همتا و شگفت‌انگیز برای ماندن در جنگل و دشت بود (منظور من از علم مطالعه مورچه‌ها، قورباغه‌ها، و مارها است و هنوز هم ته دلم همین نظر را دارم). لینائوس، طبیعت‌شناس سوئدی قرن هجدهم و مخترع رده‌بندی مدرن زیست‌شناسی، جهان فکری مرا شکل می‌داد. سامانه لینه‌ای به شکل فریبنده‌ای ساده است. اول باید نمونه‌های گیاهی و جانوری را به گونه‌ها تقسیم کنی. بعد باید گونه‌هایی را که به هم شبیه هستند در گروه‌هایی به نام جنس بگنجانی. مثلاً کلاغ‌ها و کاج‌ها نمونه‌هایی از این گروه‌ها هستند. آن‌گاه به هریک از گونه‌ها باید یک نام دو بخشی لاتین بدهی مانند کورروس اوسیفراگوس برای کلاغ ماهی‌خوار، که در آن واژه کلاغ جنس جانور را معلوم می‌کند (چون نامی عمومی است برای همه گونه‌های کلاغ)، و واژه دیگر، این نوع خاص کلاغ را. در رده‌های بالاتر، گروه‌های هم‌جنس در طبقه‌ای به نام تیره